

۲۰۷۵۳۱۵

رؤیاهای زمستانی

اسکات فیتزجرالد • منصور فراسیون

www.ketab.ir

سرشناسه

: فیتس جرالده، فرانسیس اسکات، ۱۸۹۶-۱۹۴۰م.

Fitzgerald, F. Scott (Francis Scott)

عنوان و نام پدیدآور : رویاهای زمستانی / اسکات فیتزجرالد / منصور فراسیون

مشخصات نشر : تهران: انتشارات بهنود، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری : ۶۴ص.

شابک : 978-600-7511-71-8

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت : Winter dreams :

موضوع : داستان‌های آمریکایی - - قرن ۲۰م.

موضوع : American fiction - - 20th century :

شماره افزوده : فراسیون، منصور، مترجم

رده: بی کنگره : PS۳۵۲۹

رده بندی دیوید : ۸۱۳/۵۲

شماره کتابخانه ملی: ۶۰۰۵۲۱۸

ناشر	:	انتشارات بهنود
عنوان	:	رویاهای زمستانی
نویسنده	:	اسکات فیتزجرالد
مترجم	:	منصور فراسیون
چاپ اول	:	۱۳۹۸
تعداد	:	۵۰۰
چاپ	:	پیام
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۷۵۱۱-۷۱-۸

تهران، میدان انقلاب، پاساژ ایران، طبقه سوم، پلاک داخلی ۱۰۷

تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۶ - ۶۶۹۰۰۵۲۵

۱۵۰۰۰ تومان

مقدمه ناشر

به فوا و والتر آل منتقد انگلیسی، قصه، بازسازی زندگی انسان‌هاست و قصه نویس، زندگی‌نویسی که طبیعت را باز می‌نگارد، دست به تقلید زندگی می‌زند، اما تقلید از تئیدی، رو و گنگ و نعل به نعل الگوبرداری نیست بلکه بازسازی است در حد حقایق و ارایدن. قصه نویس اگرچه الگویی به نام زندگی دارد ولی به الگوی حقیقت هویت می‌بخشد. در قصه، خلاف واقعیت زندگی، نظم وجود دارد، نظم که هدف و مقصدی را دنبال می‌کند. در واقعیت زندگی، حوادث و وقایع اگرچه به یکدیگر ارتباط می‌یابند، اما این ارتباط می‌تواند گسسته باشد و یا اصلاً می‌تواند ارتباطی نباشد. می‌توان ارتباط وقایع و رویدادها در واقعیت زندگی را به توده‌ای عاری از استاده در برابر نور تشبیه کرد که اگرچه در کنار هم هستند، لکن سست و بی‌تارخی هیچ پیوندی در کنار یکدیگر قرار دارند و بقای یکی از گرده‌های آن، به‌همه به بقای آن دیگری نیست، اما در قصه حوادث جاری و به هم پیوسته است و مثل رودباری که جاری می‌شود و در مسیری مشخص به جریان می‌افتد، ناگسستگی و مداوم است.

اگر قرار بود قصه نویس همان اندیشه‌هایی را که انسان‌ها در ذهن خود

دارند، نقش زند، ذهنیاتی که دقیقه به دقیقه رنگ دیگری می‌پذیرد و نقش دیگری می‌بندد، آنگاه آنچه که آفریده می‌شد، مجموعه‌ای از حرکات، رفتارها، منش‌ها، ذهنیات و آرزوها بی‌انسجام و بی‌ارتباط می‌شد که تنها نظمی که بر آن حاکم بود، بی‌نظمی و آشفتگی بود و هنر قصه نویسنده در همین جاست که آن دانه‌های غبار را یکی یکی جدا می‌کند و به سلک می‌کشد و از آنها گردی بپنداری می‌سازد. در قصه است که زندگی مفهوم یابد و آن توده غبار انسجام به سلک مفهوم و معنا کشیده می‌شود.

قصه مانند زندگی واقعی در زمان اتفاق می‌افتد و زمان عنصری اساسی به‌شمار می‌آید. اما این قصه، منطقی خاص خود دارد، برای قصه نویسنده آن تکه‌هایی از زمان نقش دارند که چون بافت پیوندی رویدادها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و آن تکه‌هایی که واقعی در آن رخ نمی‌دهد، بی‌ارزش است. عنصر دیگری که در قصه دیده می‌شود، در زندگی واقعی نمی‌توان بدان عنایت داشت، روابط علت و معلولی است که بین وقایع وجود دارد، این روابط خود از ارتباط منطقی که میان حوادث وجود دارد، سبب می‌گیرد. به ویژه می‌توان این روابط منطقی را در قصه‌های جایی و پس از گذر از عصر کلاسیسم و ورود به دنیای رومانتیسم و حضور در عصر رالیسم بازشناخت.

با وجود همه این تفاوت‌ها، قصه خود زندگی است یا برخاسته از زندگی است و انعکاسی از زمان و مکان و تعلقات مردمی در عصری مشخص می‌باشد، قصه‌هایی مانند هزار و یک شب و حسن کچل و حتی سیندرلا نمادهایی از واقعیت زندگانی را در بر دارند، همین نمادها را به طریق روشن‌تری می‌توان در کلیله و دمنه بازشناخت و حتی امروزه نیز همین نمادها را در چهره‌های مختلف و در قالب‌های گوناگون مشاهده کرد.

عنصر دیگر در قصه، فلسفه قصه‌ای است که غالباً خواننده را به استنتاج می‌رساند. فلسفه هر قصه‌ای منبعث از جهان‌بینی قصه‌نویس است. جهان‌بینی قصه‌نویس از تجربیات، مشاهدات و خصوصیات زمان او ریشه می‌گیرد و آفرینش در اینجا است که قصه‌نویس در ذهن فعال خود همه این عناصر را انتزاع کرده در هم می‌آمیزد و زندگانی نو پدید می‌آورد که در همین برخورد از عناصر واقعی، غیر واقعی است و در جایی هرگز واقع نشده و یا لایق بدین صفت که قصه‌نویس توصیف می‌کند، واقع نشده است.

بدین ترتیب می‌توان گفت که قصه‌های آلن پو، اشتاین بک، فیتز جerald، جک لندن، مارک Twain، رنست همینگوی و دیگر نویسندگانی که نمونه‌هایی از قصه‌های آنان در این مجموعه گرد آمده است، آفرینش ذهن خلاق آنان است، اما این ذهن چرا از واقعیات نیست، چرا که یک عنصر تشکیل‌دهنده قصه واقعیت است که قرار گرفتن این عناصر بدین شکل واقعیت ندارد. برای مثال در قصه رمبر خلق که بخشی از داستان بلند اسب سرخ جان اشتاین بک است، جودی قهرمان داستان، سمبل هزاران جودی در برابر آمریکای جوان است. در دنیای واقعی اشتاین بک هنوز ذهنیت‌ها از سرخ‌پوستان فاصله نگرفته است، هنوز سرخ‌پوستان به «دوستان» می‌توانند تهدیدی علیه سفیدپوستان مهاجر، به‌شمار آیند، هنوز اسب زخما برتری است، هنوز خانواده بافت اولیه خود را حفظ کرده است، هنوز پدر خانواده رئیس واقعی خانواده است، هنوز بیلی کارگر مزرعه در این قالب هستی دارد و هنوز صدها مشخصه از دنیای قرون نوزدهم بجای مانده است.

از این جهت می‌توان گفت که دنیای اشتاین بک هم دنیای ذهن اوست و هم دنیای آمریکای زمان اوست و در یک جمله می‌توان گفت که قصه همان

واقعیت است که به طور منطقی در ذهن قصه نویس شکل می‌گیرد و به آسانی می‌توان عناصر واقعی را از داستان استخراج کرد. این مجموعه نیز نمادی است از واقعیت‌های دنیای آمریکا در اعصار مختلف.

www.ketab.ir